



میراث فرشچیان

رضا دبیری نژاد / رئیس موزه هنرهای معاصر تهران

محمود فرشچیان در ایستگاه پایانی زیست جسمانی خود در موقعیتی ایستاده است که می‌توان او را شناخته شده‌ترین نقاش امروزی برای جامعه ایران دانست و در سطح عمومی کمتر نقاش امروزی را می‌توان دارای چنین شهرتی دانست اما این شهرت حاصل چیست؟ و فرشچیان چگونه به این جایگاه ارتباطی با جامعه مردمی رسیده است؟

فرشچیان میراث دار هنرمندان شهریست که قرن‌ها نامدارترین نگارگران ایرانی را در خود جای داده است و هنر در بخشهای مختلف زیست مردمش جای گرفته است و هر ابزاری جنبه هنری به خود گرفته است و فرشچیان در چنین جهان آکنده از هنری زاده شده و پرورش یافته است که در واقع باید این شهر یعنی اصفهان را یک هنرستان بزرگ دانست. هنرستانی که هنرهای سنتی و صنایع دستی در آن غلبه دارد.

فرشچیان در اصفهان که یک موزه زنده هنری زاده شده و در خانه‌ای که آکنده از هنرریزبافت ایرانی بوده بزرگ شده و در هنرستان قدیمی این شهر و در محضر استادانی نامدار تحصیل کرده است. فرشچیان میراث بر شاکله هنرهای سنتی بوده است، هنرهای تصویری که در فرهنگ ایرانی همنشین ادبیات بوده و در آن روایتگری نقش برجسته‌ای دارد و حتی می‌توان آن را هنر روایتگر خواند. هنری که می‌خواهد داستان‌های تاریخی، داستانهای ادبی و گاه داستان‌های معاصر را به شکلی نقش بزند و با نقش زدن آن را روایت پردازی کند.

روایت مهمترین رسانه در فرهنگ ایرانی بوده است و در همه انواع هنرها و میراث‌ها می‌توان این روایتگری را مشاهده کرد و با همین روایتگری‌ها تاریخ و فرهنگ ایرانی شکل گرفته است. این گونه نقاشی بر آن است که روایت‌های ملموس کرده و تجسم بخشد. اما این تجسم به دنبال واقع نمایی نیست و همانقدر که ادبیات تاریخی ما خیالپردازانه است و حتی روایت‌های تاریخی را آکنده به تمثیل و شاعرانگی می‌سازد بر این اساس در تجسم روایت‌های ادبی و تاریخی نیز باید در زمین‌های فراواقعی اتفاق بیفتد تا مخاطب در فاصله از واقعیت آن را ببیند و بر ذهن

دل‌گویه‌های اهالی فرهنگ و هنر در رثای نگارگر جاودانه هنر ایران

هنرمندی که هنر را به افق‌های بلند کشاند

خبر درگذشت محمود فرشچیان، استاد برجسته نگارگری ایران تنها یک رویداد تلخ برای جامعه هنر نبود، بلکه موجی از واکنش‌های احساسی و قدر دانانه را در میان هنرمندان، سینماگران و چهره‌های فرهنگی برانگیخت. بسیاری با انتشار دلنوشته‌ها و یادداشت‌هایی در فضای مجازی، از تأثیر عمیق آثار فرشچیان بر روح و نگاهشان به هنر سخن گفتند؛ تأثیری که مرزهای نقاشی را درنوردید و بر موسیقی، ادبیات و سینما نیز سایه افکند.

جمعی از هنرمندان در حرم امام رضا(ع) با شرکت در رویداد هنری «روژه هنر عاشورایی» مشغول خلق آثاری با مضامین عاشورایی هستند. آنها بعد از شنیدن خبر درگذشت استاد محمود فرشچیان، کلماتی در وصف این هنرمند گفتند. سیدمهدی شجاعی درباره این فقدان گفت: «فقدان این استاد بزرگ از آن ثلثه‌هایی است که به هیچ وجهی قابل جبران نیست؛ شکافی است که هیچ چیزی آن را پر نمی‌کند. «او در ادامه خاطره جالبی نقل کرد: «یکی از عزیزانی که مسئولیت تولید آستان امامزاده صالح را داشتند برای من روایتی را نقل می‌کردند که مشکلی در

خود جای دهد.

چرا که این داستانها قبلا در اذهان مردم شکل گرفته و هر کس از آن تصویری ساخته است و تصویر هنری جدید بای قابلیت دربرگرفتن همه این اذهان را داشته باشد، برای همین اگر فرشچیان عصر عاشورا را انتخاب می‌کند باید این عصر عاشورا باید امکان سفیدخوانی‌هایی همراه با اذهان متنوع را داشته باشد و یا حتی در روایت ضامن آهو و یا لحظه شهادت علی اصغر هم با چنین نگاهی روبه‌رو هستیم.

نقاشی ایرانی با زاویه روایتگرانه می‌نگرد زاویه‌ای از بالا که انگار همه چیز را در قاب خود جای داده و هم‌زمان می‌تواند در زمان و مکانی فراواقع رویدادهای تاریخی و ادبی را ببیند. فضای نقاشانه در موقعیتی همه‌زمانی قرار دارد که همه رویدادها را در برمی‌گیرد و برای همین از عناصری در پس‌زمینه استفاده می‌کند تا رویداد را از مکان واقعی ملموس جدا کند اما همین رویداد می‌تواند در جهانی ذهنی و جدا واقعیت



ساخت و ساز گلدسته‌های حرم پیش آمده بود؛ به امام رضا(ع) متوسل شدم، که شما مرهمتی کنید. صبح دیدم آقای فرشچیان در حرم هستند، حیرت کردم و از علت آمدن‌شان پرسیدم و گفت: «دیشب امام رضا(ع) به خوابم آمدند و گفتند این مشکل پیش آمده، من آمدم انجام وظیفه کنم.» سیدمهدی شجاعی در ادامه افزود: «خیلی جای ایشان خالی شد ناگهان. فقدانش برای همه دردناک بود. نفس‌شان که در این جهان بود برای همه اهل هنر بود و نه فقط هنرهای تجسمی. همه رشته‌های هنری، زیر سایه محبت و مودت ایشان زندگی می‌کردند. شاید بشود گفت شخصیت ایشان مشابه ندارد. درگذشت ایشان را به همه اهالی ایران و هنرمندان جهان تسلیت می‌گویم.»

کاظم چلیپا، نقاش و شاگرد استاد فرشچیان هم که در این رویداد حضور داشته درباره شخصیت این هنرمند فقید گفت: «از دست دادن چنین استادی مایه تأسف است، خدمت جامعه هنری نگارگری ایران عرض تسلیت دارم. ایشان رابطه خاصی با حضرت رضا(ع) و حرم امام رضا(ع) داشتند.» در این ویدیو که صفحه اینستاگرام چارسو فرهنگ به اشتراک گذاشته، چلیپا افزود: «خود من شخصاً و دوستان دیگرم حبیب‌الله صادقی و حسین خسروچردی دو سال در هنرستان هنرهای زیبای پسران، شاگرد آقای فرشچیان بودیم، از دست دادن چنین شخصیت‌هایی فقدان بزرگی است و تا جای این استاد پر شود، راه زیادی داریم.»

رسول صدراعلمی، فیلمساز هم با اشتراک تصویری در

ملموس شود و به تجربه ملموس مشترک تبدیل شود. به واسطه خلق همین آثار و تکثیر آن در سطحی گسترده روایتها به تجربه مشترک و ملموس تبدیل می‌شود. فرشچیان به واسطه همین تجربه سازی‌ها و خیالپردازی‌ها بر روایت‌هایی آشنا به مردم نزدیک شده و با آنها ارتباط برقرار ساخته است.

جامعه و مردمی که روایت‌هایی در ذهن خود جای داده بودند و به دنبال تصاویر این روایت‌های مانده در تاریخ می‌گشتند فرشچیان این روایت‌های آشنا را برای جامعه معاصر ملموس کرده و برای جامعه نقالی کرده است نقالی با نقشها به سنت پرده خوانان گذشته اما این پرده‌ها را با تجربه امروزی رقم زده است و سعی کرده با فرم‌ها و خطوط خود پیوندی میان خلق امروزی خود و سنتهای گذشته برقرار سازد.

فرشچیان این شانس را داشته تا در زمانه تکثیر شدن زندگی کند و به دلیل قابلیت مردمی آثارش، آنها تکثیر بسیار شده‌اند و تکثیر بسیار چند اثر شناخته شده همچون عصر عاشورا او را در میان جامعه جای داده است و به مردم نزدیکتر کرده است. بسیاری از آثار تکثیر شده فرشچیان توانسته‌اند در خانه‌ها، مغازه‌ها، ادارات و حتی مساجد و اماکن مذهبی جای گیرند و با بدنه جامعه ارتباط برقرار سازند. فرشچیان این فرصت را یافته تا برای خود و آثارش به تناسب جامعه ما برندسازی کند و هم آثار منتخبش برند شده و هم خودش در سطح عمومی به برند تبدیل شده است.

این تمایز فرشچیان از دیگر هنرمندان هم دوره خود در همین شیوه‌ها است و او را به هنرمند برجسته عمومی تبدیل کرده است چون به دنبال ساختن و پرداختن برای مردم بوده است. امروز فرشچیان از این جامعه رفته اما آثارش حیات مردمی او را حفظ کرده است و همچنان روایتگری او برای جامعه ادامه دارد و برند فرشچیان همچنان به‌عنوان یک سرمایه برای جامعه ایران ادامه دارد و مردم می‌توانند با آن ارتباط برقرار سازند و از آن لذت ببرند فرشچیان روایتگر و خیالپرداز داستان‌های رویدادهای ادبی مذهبی ردم بوده و بخشی از خواسته مردم را تحقق بخشیده است. میراث فرشچیان امروزه بخشی از میراث فرهنگی جامعه ایران است چون آن را پذیرفته و در ذهن خود حفظ کرده‌اند.

صفحه اینستاگرام خود نوشت: «استاد محمود فرشچیان، هنرمند بزرگ و تکرار نشدنی که باورها و سنت‌های ما را در اوج خلاقیت خود با فرم و زیبایی تلفیق می‌کرد و برایمان تکیه‌گاهی عزیز و دوست‌داشتنی پدید می‌آورد و گاهی نیز با دست‌هایش از خط و رنگ و بوم شگفتی می‌آفرید، روح بلندش تا همیشه رستگار.»

یدالله کابلی، عضو شورای عالی انجمن خوشنویسان ایران در بخشی از یادداشتی که در صفحه شخصی‌اش منتشر کرده، آورده است: «فقدان بی‌تکرار استادی عالیجاده و هنرمندی فرهیخته وصاحب‌دل؛ استاد محمود فرشچیان بر اصحاب بلندپایه فرهنگ و هنر و همه ملت فرهنگمان ایران تسلیت باد؛ والامقامی که در طول عمر پرنمر هنری هفتاد ساله خویش جهانی از نقش و نگارهای تاریخی واجتماعی ادبی و عرفانی را با سرپنجه‌های سحر و ذوق و قریحه بیکرانه خویش در جلوه‌های بدیع و بی‌مانند خلق کرد و به‌عنوان برجسته‌ترین میراث‌دار هنر نگارگری ایران به همه جهانیان معرفی و مایه افتخار ایران و ایرانی بود.» او همچنین نوشته است: «استاد محمود فرشچیان با روح بلند و معنوی و قدرت تجسم فراتر از عینیت هر پدیده‌ای گام برمی‌داشت و نقشی جاودانه از قوه ادراک خود را خلق کرد. با نهایت تأسف و تألم این خسران بزرگ، مایه خوشوقتی‌ست که بن‌مایه‌های ماندگارتر و تکنیک مکتب او توسط شاگردان برجسته ایشان در جان جوانان برومند ایران زمین جاری و ساریست و نشان عزت و اعتبار حیات بعد از مرگ اوست.»